



دهان‌های بیش از گوش!

نقدی بر پدیده تکثیر

قارچ گونه نیوزها

❖ محمدرضا وحیدزاده

پژوهشگر و روزنامه‌نگار فرهنگی

اشاره

کوچک‌تر که بودیم، بزرگ‌ترهایمان در حکمت خلقت دوگوش و یک دهان برای انسان، از فضیلت شنیدن، سخن می‌گفتند و لزوم پرهیز از پرگویی! جان کلام آن بود که حکمت کار خدا این است که به ازای هر دو حرفی که به گوشمان می‌خورد یک سخن از دهانمان خارج شود و خلاصه آنکه نسبت ضرورت شنیدن به گفتن دو برابر است. حتی برخی حکمت رشد گوش‌های جنین را به عنوان اولین عضو او در رحم مادر، در نسبت با همین حقیقت سنجیده‌اند.^۱

پرواضح است که این حرف‌ها حرف‌هایی قدیمی است و شاید طرح آنها در روزگار غفلت فراگیر رسانه‌ها^۲ خشت به آسیاب‌بردن باشد و نصیبی جز خاک دستمان را نگیرد. این روزها همه گلوها تمام توانشان را به کار بسته‌اند تا فریاد بلندتری را سردهند، باشد که بیداد رقیب در طنین دادشان بر باد شود. رادیو، تلویزیون، مطبوعات، همین جریده‌ای که دست گرفته‌اید، بیلبردهایی که به تازگی در قامت یک رسانه عرض اندام کرده‌اند، حتی سالن‌های مترو و بدنه اتوبوس‌ها و پیامک‌هایی که دیگر باید آنها را نیز یک رسانه دانست و اینترنت، هیولای بی‌سر و فرجامی که هول آن گریبان بانیانش را نیز گرفته است، همه اینها حنجره‌هایی هستند که سعی دارند از میان فریادهای گوناگون فراگیر، داد خود را بستانند.

در جهان امروز نبرد فرهنگی در اندازه‌هایی بسیار جدی‌تر و حتی هم‌شانه نبردهای سخت و تسلیحاتی ظاهر شده است و ضرورت پرداختن به آن از حد یک پیش‌بینی و آینده‌نگری هوشمندانه خارج شده و به مشاهده‌ای عینی رسیده است. این نیاز، سال ۱۳۸۸ و همزمان با اتفاقات حیرت‌انگیز

و عبرت‌آموز آن، خود را با چنگال‌هایی سخته و دندان‌هایی آخته نمایان کرد و اهمیت توجه به نبرد سایبری را به رخ همه دغدغه‌مندان و دلسوزان کشید. همزمان با دلهره پرداخت بهنگام به این مسئله ترس دیگری نیز در جان جماعت اهل فرهنگ افتاده بود؛ ترس ریشه‌داری که از تجارب تأسفبار و البته درس‌ناآموز گذشته آب می‌خورد.

در سال‌های پیش نیز همزمان با موج همه‌گیر و حیاتی جنبش نرم‌افزاری، برخی متولیان عریض و طویل دست‌اندر کار، پیش از فهم کردن درست و صحیح مسئله، با کج‌فهمی‌های دلسوزانه خویش چنان وارد عرصه شدند که آه از نهاد هر فرد آگاهی برخاست. مثال کوچکش توزیع گسترده و سیل‌وار CDهای کپی‌شده در میان خیل مخاطبان شناسایی‌شده و نشده‌ای بود که اصل مسئله را دچار خدشه کرد.

اکنون نیز فهم درست از معنای نبرد سایبری، پیش‌نیاز انکارناشدنی ورود به این میدان است. باشد که دیگر پیام جنبش نرم‌افزاری را تکثیر CDهای کپی‌شده تلقی نکنیم! مقوله خبر و اطلاع‌رسانی در این میان بازیگر نقش مهمی است و تأثیر بسزایی بر جریان‌سازی و جهت‌دهی به اتفاقات مهم حوزه فرهنگ دارد. شاید از همین روست که اولین راهی که در فضای سایبری برای کار فرهنگی به ذهن هر کسی می‌رسد، راه‌اندازی یک پایگاه خبری است. اما بهتر است برای پرهیز از تکرار اشتباهات گذشته به این اولین راه کمی دقیق‌تر بنگریم. آیا تاکنون برای کسب اخبار به پایگاه‌های مجازی تحلیل و خبر مراجعه کرده‌اید؟ چند پایگاه را می‌شناسید که برای کسب اخبار دست‌اول و متقن داخلی می‌توان به آنها مراجعه کرد؟ وجود چه تعداد پایگاه را برای این مهم ضروری می‌دانید؟ اکنون اگر از این زاویه به سراغ پایگاه‌های مذکور بروید، با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شوید که بیشتر به یک شوخی شباهت دارد؛ یک شوخی نه‌چندان بامزه که می‌توان آن را به بازی گرفت. برای شروع می‌توانید هر نامی که به ذهنتان می‌رسد با پسوند «نیوز» در اینترنت جست‌وجو کنید و ناباورانه منتظر پاسخ مثبت باشید.

متأسفانه جست‌وجو در بیشتر مواقع با نتیجه همراه است. از شمال نیوز و جنوب نیوز بگردید تا راز نیوز و ریز نیوز، از روز نیوز و شب نیوز بگیرد تا فاش نیوز و جالب نیوز. حتی تیمناً می‌توانید واژه «مشانیوز» را هم بجویید و با یک پایگاه خبری روبه‌رو شوید!

مگر در فضای اینترنت چه تعداد خبر و خبرخوان وجود دارد که این حجم از پایگاه‌های مجازی باید به این امر اختصاص یابد؟! تأسیس و راه‌اندازی این همه پایگاه خبری از روی چه ضرورتی است؟ فقط احساس تکلیف حضور در جنگ نرم، بدون بی‌ملاحظه‌اقتضانات جبهه و ضروریات و شرایط منطقه؟! تفاوت هر یک از این پایگاه‌ها با یکدیگر چیست و چه اندازه می‌توانند طیف‌های مختلف مخاطبان را شناسایی و پوشش‌دهی کنند؟ هر یک از این سایت‌ها چه میزان بودجه و توان را صرف خود کرده‌اند و خروجی هر کدام چه بوده است؟

به دنبال گزارش و آمار برای پرکردن بیلان کار نیستیم که این، حاصل چند ساعت وقت برای تهیه نقشه و نمودار و گراف است و در طرفه‌العینی قابل عرضه! پاسخی وجدان‌پسند می‌خواهیم که بعدها در گذر از این روزها و بعدترها در پیشگاه عدل الهی نیز بتوانیم بی‌لکنت بر زبان آوریم.

اتفاقاً نگاهی به عرصه‌های جنگ نرم نمایانگر آن است که سنگرهای خالی این جبهه کم‌شمار نیست و بخش‌های بسیاری وجود دارد که نیازمند حضور مجاهدانه نیروهای بانگیزه و دغدغه‌مند است. از مهم‌ترین آنها عرصه ادبیات و هنر است که در شکل‌دهی اساس جنگ نرم، نقش اساسی ایفا می‌کند. به عنوان مثال، می‌توان به نیازها و البته ظرفیت‌های پیدای و پنهانی چون وجود پایگاه‌هایی برای پخش کلیپ‌های تصویری و صوتی کوتاه با مضامین و موضوعات فرهنگی و تأثیرگذار اشاره کرد یا از ضرورت راه‌اندازی صفحاتی برای نمایش تصاویر گرافیکی و عکس‌های جذاب و مافهوم نام برد. همچنین گرداندگی صفحاتی جهت گفت‌وگوهای فکری و پاسخ‌دهی به سؤالات و دغدغه‌های مراجعه‌کنندگان یا پایگاه‌هایی برای معرفی نویسندگان و هنرمندان توانا و متعهد و انتشار آثار ایشان در آن پایگاه، از دیگر زمینه‌های مفید کار فرهنگی در فضای مجازی است. حتی در این میان می‌توان به وجود پایگاه‌هایی جهت معرفی استعدادهاى تازه یا کشف ظرفیت‌های شناخته‌نشده‌ای در میان جوانان و حتی مخاطبان همان پایگاه‌ها اندیشید.

همه اینها ایده‌های خام و ناپخته‌ای است که با یک نظر ابتدایی به ذهن هر کسی می‌رسد و در صورت برنامه‌ریزی و کار مطالعاتی دقیق‌تر می‌توان ده‌ها ایده کاربردی و مؤثر دیگر در این زمینه را

اتفاقاً نگاهی به

عرصه‌های جنگ نرم
نمایانگر آن است که
سنگرهای خالی این
جبهه کم‌شمار نیست و
بخش‌های بسیاری وجود
دارد که نیازمند حضور
مجاهدانه نیروهای
بانگیزه و دغدغه‌مند
است. از مهم‌ترین آنها
عرصه ادبیات و هنر
است که در شکل‌دهی
اساس جنگ نرم، نقش
اساسی ایفا می‌کند.

شناسایی و اجرا کرد. اما برخلاف انتظار، این عرصه از کمترین توجه و اهتمام نیز بی‌بهره است. از سوی دیگر، رشد غیرمنطقی سایت‌های خبری نیز حاکی از سنگین‌تر شدن کفه خبر و تحلیل بر دیگر زمینه‌های دفاع فرهنگی است و البته آن نیز با رویکردی یکسان و گزینش اخباری برگرفته از یکدیگر و حتی گرافیک و قالبی مشابه. بیشتر اخبار در این پایگاه‌ها مشابه یکدیگر است و تفاوت چندانی در نحوه گزینش و ارائه آنها دیده نمی‌شود. طبیعی است که آمار مراجعه‌کنندگان و مخاطبان هر یک از این سایت‌ها نیز با توجه به هزینه‌های راهاندازی و فعالیت آنها، آمار تأسفبار و قابل تأملی است؛ گرچه انتظاری نیز جز این نمی‌رود. مگر هر کاربر در روز نیازمند چه تعداد خبر و مرجع اطلاع‌رسانی است و در صورت استفاده از همه اخبار و اطلاعات، چه اندازه فرصت و توان تحلیل و اندیشیدن را خواهد داشت؟

همان‌طور که گفته شد، این وضعیت به سخن‌راندن با صدای بلند و لاینقطع جماعتی می‌ماند که همگی با هم در حال حرف‌زدن‌اند و هیچ یک فرصت و قصد شنیدن حرف‌های دیگری را ندارد؛ زیرا هر یک تنها به حرف‌زدن خویش می‌اندیشند. تأسف‌بارتر آنکه عده‌ای حتی به حرف‌زدن خویش نیز نمی‌اندیشند و بی‌اندیشه تنها حرف می‌زنند!

پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم) فرمود: «ایمان بنده‌ای استوار نشود تا دل او استوار شود و دل استوار نشود تا زبان استوار شود»^۲. در قرابت با همین معنا نیز امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «هر کس بسیار سخن بگوید خطایش فراوان می‌شود و کسی که خطایش زیاد شود حیاشش می‌یابد و کاهش حیا موجب نقصان ورع می‌شود و هر کس ورعش کم شد، قلبش می‌میرد و هر کس قلبش مرد، داخل جهنم می‌شود»^۴.

فارغ از آنچه گذشت، وضع کیفی اخبار منتشرشده خود بحث مفصل و مستقلی است که نیاز به نقد فنی و تخصصی دارد و از این جهت نیز موارد قابل تأمل بسیاری در نحوه اطلاع‌رسانی مراکز مذکور به چشم می‌خورد؛ مواردی که متأسفانه به سرعت در حال گسترش و فراگیری است و همچون فرهنگی نامطلوب در فضای خبر و تحلیل روزبه‌روز نهادینه‌تر می‌شود. از آنجا که هدف اصلی این یادداشت صرفاً اشاره‌ای به اصل موضوع بود، مجال پرداختن جدی‌تر به این امر را در فرصتی دیگر می‌جوید.

به هر روی آنچه با نگاه به این پدیده رخ می‌نماید آن است که عرصه جنگ نرم پیش و بیش از آنکه نیازمند حضور سیستماتیک و سازماندهی‌شده در ابعادی محدود و سطحی باشد، نیازمند همدلی و همراهی خودجوش و همه‌جانبه در عرصه‌های مختلف فرهنگی، به‌ویژه زمینه‌های تأثیرگذار و فرهنگسازتری چون ادبیات و هنر است. در بخش خبر و تحلیل نیز قبل از چشم‌دوختن به کمیت و آمار و ارقام‌های چشم و دهان پرکن، باید به کیفیت و تأثیرگذاری محتوای ارائه‌شده اندیشید و رویکرد اصلی را ارتقای سطح تحلیل و شناخت مخاطب در نظر گرفت. این همه؟!!

فارس نیوز، مهر نیوز، رجا نیوز، برنا نیوز، جهان نیوز، بولتن نیوز، صراط نیوز، آینده نیوز، کاج نیوز، فاش نیوز، فردا نیوز، لمون نیوز، حق نیوز، مشرق نیوز، آی یواس نیوز، نقد نیوز، آخرین نیوز، دانا نیوز، حفا نیوز، مردم نیوز، افکار نیوز، جویا نیوز، گرمه نیوز، موج نیوز، شهریار نیوز، شبکه نیوز، ایفنا نیوز، سحر نیوز، شمال نیوز، شب نیوز، روز نیوز، راز نیوز، ریزنیوز، کنگان نیوز، البرز نیوز، ایسکا نیوز، بین نیوز، آریا نیوز، چالش نیوز، دیلم نیوز، دیار نیوز، پویا نیوز، پول نیوز، برتر نیوز، سفیر نیوز، دیدگاه نیوز، بی اف ان نیوز، زمان نیوز، نهال نیوز، مند نیوز، ارم نیوز، آتی نیوز، آفتاب نیوز، پایا نیوز، تی تی نیوز، ماهان نیوز، فوری نیوز، جانا نیوز، خرد نیوز، جالب نیوز، سدید نیوز، بصیرت نیوز، سم نام نیوز، شفا نیوز، عنوان نیوز، سایوک نیوز، وبلاگ نیوز، دزفول نیوز، شمال نیوز، دانشجو نیوز و... مخاطب این همه سایت و خبر کیست؟!!

پی‌نوشت‌ها:

۱. جبیری، اکبر (۱۳۸۹). **درباره شعر**، پرسش: ص ۴۵.
۲. استاد میرشکاک کتابی دارند با همین عنوان که موضوع اصلی آن غفلی است که در ذات رسانه وجود دارد.
۳. قسمتی از خطبه ۱۷۶ **نهج البلاغه**.
۴. «من کثر کلامه کثر خطاؤه و من کثر خطاؤه قل حیاءه و من قل حیاءه قل ورعه و من قل ورعه مات قلبه و من مات قلبه دخل النار» تحف‌العقول: ۹۳. **نهج البلاغه**. حکمت ۳۵۵.